

داستان دنباله دار خانواده‌ی رضایی

من دیگه بزرگ شدم

۳۶

۲۷۵
کوله‌پیشته
ضمیمه روزنامه شهرآرا ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴



فرارسیدن ماه رمضان مبارک



چقدر برای مهمانی خدا آماده‌اید؟

بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام می‌کنیم به
تک تک شما بچه‌های خوب و پرشور و حالی که ماه مبارک
رمضان، بهار قرآن و ماه مهمانی خدا را دوست دارید.

دوستان عزیز! همان طور که طبیعت، از کوه و درخت و جنگل
گرفته تا دشت و رود و دریا، هر سال در بهار جانی دوباره می‌گیرند و
تازه می‌شوند، دل ما هم هر سال احتیاج به خانه‌تکانی از بدی‌ها و
تیرگی‌ها و تمیز و نورانی شدن دارد.

همه‌ی ما در ماه رمضان با انجام کارهای خوب، روزه گرفتن، راز و نیاز با
خدا و دوری از کارهای ناپسند تلاش می‌کنیم جسم و جان خود را از راز
غبار و آلودگی تمیز کنیم تا بیشتر مورد توجه پروردگارمان قرار بگیریم.
خیلی از شما تجربه‌ی روزه گرفتن کامل یا «کله‌گنجشکی»^{*} را دارید و پای
سفره‌ی افطار و سحر، مهمان ماه خدا بوده‌اید. بعضی از شما هم امسال
روزه‌اولی هستید و از اینکه می‌توانید در این مهمانی نورانی و زیبا شرکت
کنید خوشحال و ذوق زده‌اید. چه خوب است که همه سر سفره‌ی افطار
و سحر اول برای دیگران و بعد برای خودمان دعاهای خوب را فراموش
نکنیم.

* روزه‌ی کله‌گنجشکی: روزه‌ی نصفه روزه‌ی
بچه‌های زیر سن تکلیف که معمولاً تا اذان
ظهر است.



طیبه ثابت

فهرست

ککش شتر یا شتر آسانا ۱/
ماه روزهای خوب ۲/
گل‌های لاله ۳/
من دیگه بزرگ شدم ۴/
تویک‌های کنجی ۶/
با این کتاب‌ها به میهمانی خدا بروید ۷/
مراقب انرژی‌هایمان باشیم ۸/
برای خودتان بازی بسازید ۱۰/
زیبا و شکارچی ۱۲/
مهمانی بزرگ ۱۴/
ماه دوستی با خدا ۱۶/

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سردبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر منائم:
ارژنگ حائمی
دبیر کوله پستی:
طیبه سادات ثابت
مدیر هنری:
سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی
ویراستار:
طیبه غلام‌زنجانی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
پیام‌رسان روزنامه: ۰۹۰۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
داخلی مستقیم کوله پستی: ۳۷۸
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



زندگ ورزش

کنشش شتر یا شتر آسانا

سلام دوستان ورزشکار و پرانرژی. امروز هم مثل همیشه آمده ایم که با هم یک حرکت جدید را تجربه کنیم.

ابتدا روی زمین زانو بزنید. طوری که شانه ها و زانو ها کاملاً در یک راستا قرار بگیرند. پاشنه ی پاها را با دودست خود بگیرید و بدن را به سمت عقب خم کنید.

سر را به سمت عقب خم کنید و باسن را به سمت جلو فشار دهید.

حدود ۲۵ ثانیه در این وضعیت بمانید و بعد به حالت عادی برگردید و دوباره حرکت را تکرار کنید.

این حرکت در ورزش یوگا به شتر آسانا معروف است.

این تمرین به افزایش انعطاف پذیری کمر و کتف ها کمک می کند و باعث رفع گودی کمر می شود.



نازنین سلطانیان





ماه روزهای خوب



لیلا خیابانی

خانه غرق می شود
درد دعا و راز ما
کاشکی شود قبول
روزه و نماز ما

می شویم شاد شاد
لحظه لحظه با دعا
چون که دعوتیم باز
میهمانی خدا

ماه روزه آمده
ماه روزهای خوب
باز جمع می شویم
دور هم دم غروب



تصویرگر: سارا دستمالچیان





گل‌های لاله



بچه‌های عزیز بر اساس باوری قدیمی، پس از کشته شدن یکی از شخصیت‌های شاهنامه‌ی فردوسی یعنی سیاوش، از قطرات خونی که از بدن او بر زمین ریخت، لاله روید. این نماد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز معنای بیشتری پیدا کرد. گل لاله نشان شهدا و عزم راسخ مردم ایران شد. امروز می‌خواهیم با هم گل لاله درست کنیم. برای این کار با کمک بزرگ‌ترتان ابتدای قاشق یک بار مصرف پلاستیکی تهیه کنید و دم قاشق‌ها را از سر قاشق‌ها جدا کنید. حالا سه عدد سر قاشق را کنار هم بچسبانید و رنگ کنید. سپس برای ساقه گل لاله یک چوب نازک یا سیم بردارید و با نوار کاغذی سبزرنگ دور آن را بپیچید. در انتها کاغذ رنگی سبز را مطابق شکل به انتهای قاشق‌ها که شبیه گل لاله شده‌اند، بچسبانید. شما می‌توانید گل‌های لاله‌تان را در جعبه‌ای که بانی تزیین کرده‌اید، قرار دهید.

چی لازم داریم؟

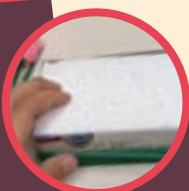
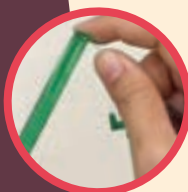
۲ قاشق پلاستیکی یک بار مصرف

سیم یا چوب باریک

چسب نواری

کاغذ کشی سبزرنگ با قطر یک سانتی متر

رنگ گواش قرمز



داستان دنباله دار خانواده‌ی رضایی من دیگه بزرگ شدم

این قسمت: روزه کله گنجشکی



فصلنامه سوره قرآنی

آخر شب بود که تشنه ام شد. از خواب بیدار شدم. خانه ساکت بود، اما نور آشپزخانه توی راهرو افتاده بود. جلوتر که رفتم دیدم ماما هم خورشت را هم می زند و هم دارد توی ماهیتابه شامی سرخ می کند. با تعجب پرسیدم: «مامان، نخوااییدی؟ داری چی کار می کنی؟»
لبخند زد و گفت: «فردا اول ماه رمضان است دارم برای

سحری غذا درست می کنم. می خوام یک لقمه برات بگیرم»

سرم را به علامت نه تکان دادم و درحالی که لیوان را از شیرآب پر می کردم تا بنوشم ادامه دادم: «منم می خوام سحری بیدارشم و فردا روزه بگیرم. منم بیدار می کنین؟»

مامان که قاشق بزرگ را از توی ظرف بزرگ کنار دستش برداشت تا مقدار دیگری از مواد شامی را توی ماهیتابه بگذارد، گفت: «پیمان جان! تو هنوز به سن تکلیف نرسیدی.»

اما من که دلم قرص بود. گفتم: «من قوی ام می تونم، قول می دم.»

مامان کمی فکر کرد و بعد گفت: «باشه پسرم بیدارت می کنم با ما سحری بخوری برای روزه کله گنجشکی. ولی یادت باشه روزه بودن یه قوانینی هم داره، وقتی آدم روزه می گیره، فقط دهانش روزه نیست. باید حواسش به رفتارش هم باشه، نباید کارایی رو بکنه که درست نیست. دروغ و غیبت، بدزبانی و بد رفتاری، باید روحش هم درست مثل جسمش روزه بگیره.»

گفتم: «هر قانونی هم داشته باشه قبوله. من ۱۰ سالمه. بزرگ شدم.» بعد هم لیوان آب را روی میز گذاشتم و دوباره به اتاقم برگشتم و خوابیدم. ماما طبق قولی که داده بود من را بیدار کرد. وقتی سحری می خوردم، شنیدن دعای سحر که





کن پیمان.» گفتم: «می خوام روزهام رو کامل بگیرم.» خسته بودم و زود خوابم برد. این بار صدای اذان بود که من را از خواب بیدار کرد.

بوی شله زرد تمام خانه را پر کرده بود. صورتم را شستم و کنار سفره نشستم. دعای افطار که تمام شد، با چای و خرما روزهام را باز کردم. وقتی شله زرد می خوردم، گفتم: «مامان، این خوش مزه ترین چیزیه که تا حالا خوردم!»

مامان خندید و گفت: «چون امروز پسر خوبی بودی، یه ظرف دیگه هم می تونی به عنوان جایزه بخوری.» بابا با افتخار به من نگاه می کرد و پروانه زولبیای توی ظرف خودش را به عنوان جایزه به من داد.

از تلویزیون پخش می شد، برایم دوست داشتنی بود. بعد از خوردن سحری مسواک زدم و بعد از اذان صبح، نماز خواندم. حسابی خوابم گرفته بود. دوباره خوابیدم.

فردا صبح از صدای بچه ها که توی حیاط مجتمع بازی می کردند بیدار شدم. لباس پوشیدم و خودم را به علی و احسان رساندم. آن ها دنبال یک پرنده ی کوچولوی آبی رنگ می دویدند که نمی توانست درست پرواز کند. علی و احسان هر کدام شاخه ای در دست می خواستند پرنده را بگیرند. من هم به این طرف و آن طرف می دویدم که یکهو به یاد حرف های مامان افتادم. جلورفتم و گفتم: «بچه ها من روزهام. نمی خوام خدا از من ناراحت شه.»

علی و احسان مکثی کردند و گفتند: «چی؟» همان موقع پرنده پر کشید و رفت. هر سه خندیدیم. بعدش رفتیم کلی بازی کردیم. نزدیک اذان ظهر، به خانه برگشتم. مامان گفت: «بیا روزهات را افطار





توپک‌های کنجدی



روز اول ماه مبارک رمضان بود. پروانه با اجازه‌ی پدر و مادرش، در خانه‌ی مادر بزرگ مانده بود. بعد از افطار، مادر بزرگ گفت: «می‌خوام برای دخترم، یک شیرینی خوش مزه درست کنم.» پروانه با خوشحالی پرسید: «چی می‌خواین درست کنین؟» مادر بزرگ جواب داد: «توپک کنجدی.» بعد مقداری کنجد داخل ماهیتابه ریخت. مادر بزرگ کنجدها را آرام آرام تفت داد. وقتی کنجدها برشته شد، از پروانه خواست مقداری شیریه انگور بیاورد. مادر بزرگ شیریه انگور را اضافه کرد و کم‌کم هم زد. بعد از دوسه دقیقه، ظرف را از روی گاز برداشت تا کنجدها سرد شود. بعد هم دستش را چرب کرد و از آن‌ها به اندازه‌ی یک گرد و برداشت و به شکل توپک درست کرد. توپک‌ها که آماده شد، چای هم دم کشیده بود. مادر بزرگ دو استکان چای ریخت و با پروانه، چای و توپک کنجدی خوردند. بچه‌ها! کنجد و شیریه انگور از غذاهای خیلی مفید هستند و بدن ما را گرم نگه می‌دارند.

چی لازم داریم؟

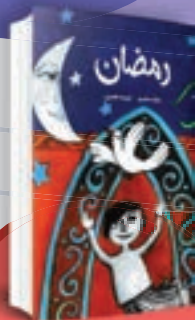
کنجد ۳۰۰ گرم

شیریه انگور نصف استکان





با این کتاب‌ها به میهمانی خدا بروید



نام کتاب: رمضان
نویسنده: بابک صابری
انتشارات: کودکان
۱۳۹۸

بچه‌های عزیز اگر علاقه‌مند به خواندن کتابی با حال و هوای ماه مبارک رمضان هستید، مطالعه‌ی این کتاب غیرداستانی با موضوع دینی- مذهبی را به شما پیشنهاد می‌کنیم. نویسنده در این کتاب نه در قالب داستان بلکه با زبان گفت‌وگوی کودکان به شما ارتباط برقرار و درباره‌ی روزه و روزه‌داری صحبت می‌کند. در بخشی از این کتاب می‌خوانید: مثل وقتی که از خواب بیدار شده‌ای، دست و صورتت را می‌شویی و حس می‌کنی خیلی سرحال هستی، اما وقتی خسته باشی هم خیلی خوب است؛ مثل وقتی که از یک کوه بالا می‌روی و در هر قدم خسته‌تر و خوش حال‌تر می‌شوی. مثل وقتی که از یک مسافرت طولانی به خانه برمی‌گردی. خب دوستان عزیز ادامه‌ی داستان را از روی خود کتاب دنبال کنید. این کتاب برای کودکان ۸ تا ۱۰ ساله مناسب است.



این کتاب درباره‌ی پسری به نام علی و یک گنجشک زبر و زرنگ است که می‌خواهد بداند چرا اسم روزه‌ی بچه‌ها را روزه‌ی کله‌گنجشکی گذاشته‌اند. گنجشک داستان، علی را دنبال می‌کند تا از او پرسد روزه‌ی کله من یعنی چه؟ علی تعجب می‌کند که چرا گنجشک کوچولو او را تعقیب می‌کند تا اینکه ... خب بهتر است ادامه‌ی داستان را از روی خود کتاب بخوانید. این کتاب برای کودکان ۷ تا ۱۰ ساله مناسب است.



عید گنجشک‌ها
نویسنده: سمیه ژوبرت
مؤسسه فرهنگی امام موسی صدر
۱۴۰۳



مراقب انرژی هایمان باشیم

پروانه مشغول پوشیدن کفش هایش جلوی در آپارتمان است تا برود مدرسه. اما حواسش نیست که در آپارتمان را باز گذاشته است. پیمان خیلی زود متوجه این اتفاق می شود و جلوی هدر رفتن گرما را با بستن در آپارتمان می گیرد.

۲



مراقبان

۱

یک روز سرد زمستانی است. پروانه و پیمان تلاش می کنند تا آنجا که می توانند در مصرف انرژی و گرما صرفه جویی کنند. ماجراهای آن ها را دنبال کن تا راه های مختلف صرفه جویی در مصرف انرژی های گرمایی را یاد بگیری.

پیمان سرش را از پنجره بیرون برده و مشغول حرف زدن با دوستش، علی است که در حیاط مجتمع ایستاده. پروانه می گوید این کارش اشتباه است و باید زود پنجره را ببندد و گرما را هدر ندهد. پیمان بهتر است لباس بپوشد و برای دیدن و حرف زدن با علی به حیاط مجتمع برود.

۳



پیمان قرار است برای دوچرخه سواری به حیاط مجتمع برود. او قبل رفتن، بخاری اتاقش را خاموش می کند؛ چون وقتی در اتاق نیست، لازم نیست بخاری روشن باشد و گرما هدر برود.

۴



۸



۴

پروانه پیشنهاد
می دهد برای
گرم تر شدن خانه،
پرده ی ضخیمی
راکه مامان جلوی
پنجره آویزان کرده
است، بکشند تا
گرماتواند از راه
شیشه های پنجره
از اتاق خارج شود.



۳

پوریا کوچولو جلوی تلویزیون خوابش برده و تلویزیون
همین جور روشن مانده است. پیمان و پروانه تلویزیون را
خاموش می کنند و دوشاخه ی آن را از پریز می کشند تا انرژی هدر
نرود. بچه های داندن بعضی از وسایل گرمایی با برق کاری کنند.



۵

خانه کمی سرد شده است.
پروانه می خواهد پیچ بخاری را زیاد
کند اما پیمان موافق نیست. به نظر
او بهتر است به جای زیاد کردن
دمای بخاری، هر کدام یک لباس
اضافه بپوشند.



۸

پروانه می خواهد در شستن ظرف ها به مامان کمک کند اما
حواش هست که بی خودی آب گرم را هدر ندهد. پروانه می داند
برای اینکه آبگرمکن دوباره آب گرم تولید کند، کلی انرژی لازم است.
آفرین به بچه ها که این قدر حواسشان به مصرف درست انرژی است
و آفرین به تو که خیلی چیزها از آن ها یاد گرفتی.



تصویرگر: سوده شیدا

توصیه پروفیسور کوچک آینده به بچه‌ها:

برای خودتان بازی بسازید

بچه‌ها فکر می‌کنید ربات‌ها در آینده چه تأثیراتی در زندگی ما داشته باشند؟ سید محمد صادق رزاز، هشت ساله و دانش آموز پایه دوم دبستان امام رضا (ع) واحد ۸ است. او که از کودکی آموزش‌های زیادی در زمینه‌های مختلف دیده است و اکنون در مسابقات جهانی رباتیک صاحب مقام دوم است در این باره جواب‌هایی دارد که برپیمان می‌گوید. گفت و گوی ما با محمد صادق را دنبال کنید.

ربات ساز باهوش

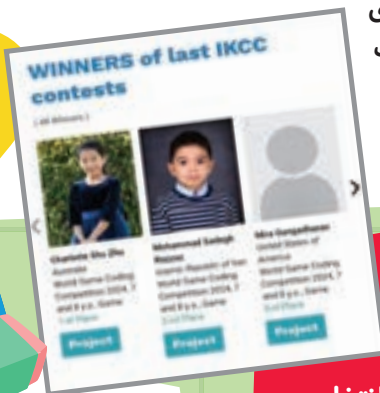
اولین بار در سن چهار سالگی در مسابقات اسکیت استانی شرکت کردم و نفر دوم شدم. وقتی آن مدال را به گردن من انداختند دیگر می‌خواستم که مسابقات بیشتری را شرکت کنم تا بتوانم در تلویزیون دیده شوم. از یک سالگی یادگیری زبان انگلیسی را با تماشای فیلم‌های مناسب آغاز کردم. آموزش قرآن، رباتیک، آزمایشگری، روییک، اسکیت و برنامه نویسی را نیز از چهار سالگی شروع کردم و بعدها برنامه نویسی، رباتیک، الکترونیک و حفظ قرآن را به صورت جدی تر ادامه دادم. به رباتیک، برنامه نویسی و شیمی علاقه زیادی دارم و از هفت سالگی در دوره‌های برنامه نویسی با آردوینو شرکت کردم. همچنین علاقه مندم برنامه نویسی «رزبری پای» را که از آردوینو پیشرفته‌تر است، یاد بگیرم. در پنج سالگی با نوشتن یک بازی در اسکرچ به نام «بالابات» با موضوع بازیافت مواد، در مسابقات بین المللی IKCC ۲۰۲۳ شرکت کردم و رتبه نهم را به دست آوردم. پس از آن، در مسابقات IKCC ۲۰۲۴ بازی «سوپر پلینز» (ابر هواپیما) را با موضوع حفظ محیط زیست طراحی کردم و به کسب رتبه دوم جهان موفق شدم. در سال ۲۰۲۵ نیز در مسابقات انگلستان، با طراحی بازی «شهر ساعت‌ها» با موضوع هوش مالی که آن را به مفهوم زمان تبدیل کرده بودیم، به همراه دو نفر از دوستانم از شهرهای فسا و تهران رتبه دوم را کسب کردیم. در این مسابقه، ایران برای نخستین بار موفق به کسب رتبه دوم شد و عکس من به عنوان یک ایرانی نفر دوم جهان در سایت IKCC منتشر شد.





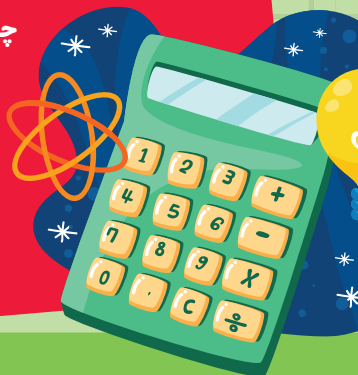
یک دانش آموز و این همه هنر!

الان هم قصد دارم یک ربات به نام «ابراردوینو» بسازم و با آن در مسابقات رباتیک جنگجو شرکت کنم. دوست دارم در مسابقات جهانی رباتیک و شیمی شرکت کنم. همچنین اسکیت، دوچرخه سواری، بسکتبال، فوتبال و شنا ورزش های مورد علاقه من هستند. در مدرسه، کارگاه های هنری و آموزشی زیادی برگزار می شود که از کلاس اول در بیشتر کارگاه ها شرکت کرده و حتی توانسته ام محصولات تولیدی ام را بفروشم. مهارت هایی که تاکنون آموزش دیده ام شامل: نقاشی روی شیشه (ویترای)، سیاه قلم، سنگ مصنوعی، نرم افزارهای ۱۲۳۴design و SolidWork برای پرینتر سه بعدی که در مدرسه داریم و می توانیم طراحی های خودمان را چاپ کنیم، کارگاه شمع سازی، مکرومه بافی، مروارید بافی، رباتیک و الکترونیک، شبه فرش و کارگاه آزمایشگری بوده است. علاقه ی زیادی هم به کتاب دارم و عضو فعال کتابخانه ی دکتر شریعتی هستم. از چهار سالگی در کلاس های قرآن جامعه القرآن شرکت می کردم و در سن شش سالگی جزء ۳۰ را حفظ کردم و از آبان امسال حفظ جزء یک را شروع کرده ام و از ابتدای سال، در کلاس های تلاوت تقلیدی مؤسسه صراط شرکت می کنم.



همراه با علم روز

انتخاب این حوزه ی فعالیت علمی به این دلیل بوده است که فکر می کنم اگر موضوع های دیگر را انتخاب می کردم ربات ها آن ها را از بین می بردند و به همین دلیل رفتم سراغ ساختن این برنامه ها تا همراه با علم پیشرفت کنم. به نظرم آینده ی این علم این طوری می شود که همه انسان ها هرچه درخواست می کنند ربات ها برایشان انجام می دهند و برای صاحب خود پول سازی می شوند. برای آینده امیدوارم به خواست خدا دانشمند رباتیک شوم تا بتوانم به مردم کمک کنم و به بهشت بروم. به دوستانم هم می گویم وقتشان را با بازی هایی که چیزی به آن ها یاد نمی دهد هدر ندهند و به جای آن بازی بسازند یا چیزی که می خواهند را بسازند و حتی پول دار شوند. از مسئولان هم تقاضا دارم کارگاه های مهارتی را جزئی از برنامه های درسی کنند.



یک بچه خوب

یک دانش آموز خوب؛ با ادب و درس خوان و با هنر و پرتلاش است، به حرف پدر و مادرش گوش می دهد و هدف دارد و زمانی که شکست می خورد از آن درس می گیرد. حدود چهار ساعت در روز را به برنامه های درسی و حفظ قرآن اختصاص می دهم، حرم، مسجد و کلاس قرآن می روم و با بازی فکری، مطالعه کتاب، رفتن به مهمانی، ساخت ربات، تماشای فیلم، ورزش و بستن مدارهای الکتریکی و کارهایی مانند این روزم را می گذرانم. از خدای مهربان و دانا هم تشکر می کنم که مرا به هدف هایم نزدیک تر می کند و بهترین پدر و مادر دنیا را به من داده است. از مدیران آقای ناجی و مربیان عزیزم خانم ها وحیده عامل و سعادت نیل بسیار ممنونم.

زیبا و شکارچی



سید هاشم کفوری

دنیا پر از آفریده های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می خواهیم برای شما دانستنی های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره **سبزقبای معمولی** را معرفی می کنیم.



راسته

سبزقباسانان

رده

پرندگان

سبزقبای معمولی

نام انگلیسی: European Roller

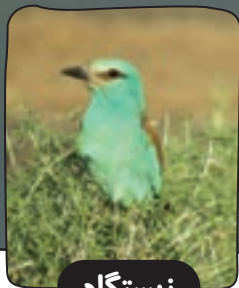
نام علمی: Coracias garrulus

نام

خانواده

سبزقبا

پراکندگی در ایران



زیستگاه

درخت زارهای بلوط، جنگل های سوزنی برگ، درختان حاشیه رودخانه ها، باغ ها، پارک هایی با درختان کهن سال، بیشه زارها و دشت های خشک با درختان خاردار خانه اوست.

لانه سازی

آشیانه خود را در حفره های درختان، گاهی شکاف صخره ها، ساختمان های قدیمی و دیوارها، دیواره های عمودی و پرشیب رودخانه ها و داخل آن را با پر، خار و خاشاک و سایر الیاف گیاهی می پوشاند.

تغذیه

از حشرات بزرگ و متوسط به ویژه سوسک ها، ملخ ها و جیرجیرک ها گرفته تا مارمولک ها و حتی قورباغه و مارهای کوچک تغذیه می کند.



زادآوری

● از فروردین ماه با تشکیل قلمرو جوجه آوری آغاز می شود.

● بین ۴ تا ۵ و گاهی تا ۷ تخم می گذارند.

● بین ۱۸ تا ۱۹ روز طول می کشد تا جوجه ها از تخم بیرون بیایند.

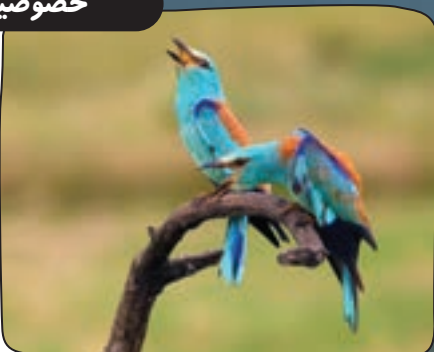




خصوصیات رفتاری

در خارج از دوره ی
زادآوری اغلب تنها

هستند و تنها در مناطقی که منابع
غذایی زیاد باشد و همچنین قبل از
مهاجرت، دور هم جمع می شوند.
در زمان تغذیه اغلب در دسته های
کوچک و در زمان مهاجرت ممکن
است در دسته های بزرگ دیده شوند.
پرواز این پرنده قوی، سریع و منظم
است و برای نشان دادن محدوده
قلمرو خود به سمت بالا پرواز می کند
و تا ارتفاع زیادی اوج می گیرد و سپس
با بال های نیمه باز و با سرعت زیاد به
سمت زمین فرود می آید.



ویژگی های ظاهری

طول بدن: ۳۰ تا ۳۳ سانتی متر

گسترده گی بال ها: ۶۶ تا ۷۳ سانتی متر

منقاری ضخیم و تیره

رنگ عمومی: رنگ قالب آبی فیروزه ای است.
روتنه بلوطی روشنی و رنگ آبی لاجوردی در قسمت
اتصال به دم و سرشانه ی بال ها دیده می شود. به
هنگام پرواز رنگ آبی کم رنگ روی بال ها در تضاد با
شاپیرهای اولیه و ثانویه سیاه رنگ است و به راحتی
قابل مشاهده می باشد.

پرنده نر و ماده از لحاظ شکل ظاهری هم شکل هستند،
اما با تغییر فصل تغییراتی در ظاهر آن ها ایجاد می شود.
پرنده نابالغ رنگ مات تر و قهوه ای تری دارد.



مهمانی بزرگ

کمیک

بچه ها، حتماً شنیده اید که به ماه مبارک رمضان، «ماه مهمانی خدا» می گویند. همان طور که مهمان ها برای ما مهم هستند، روزه داران هم که در این ماه به مهمانی خدا می روند، مهم هستند. برای همین، در این ماه باید بیشتر حواسمان به افراد دوروبرمان که روزه هستند، باشد و با آن ها مهربان باشیم. ممکن است بعضی از شما هم امسال بتوانید با بزرگ ترها روزه ی کامل یا روزه ی کله گنجشکی بگیرید و در این ماه، مهمان خداوند باشید.



مرجان اسدپوری



۱
مامان بزرگ، من و پیمان می خواهیم امسال چندروز، روزه بگیریم.

۲
به به! چه خوب. البته شما می تونین روزه ی کله گنجشکی بگیرین، چون ممکنه براتون سخت باشه.

۳
بعضی از بچه های مدرسه مون هم روزه ی کله گنجشکی می گیرن.

۴
باروزه ی کله گنجشکی، بچه ها کم عادت می کنن و بعدا می تونن روزه ی کامل بگیرن.





شماره ۲۷۴
پهمن ۱۴۰۴



۸ آقا، ماهم جلوی
بقیه خوراکی نمی خوریم،
چون ممکنه روزه باشن.

۵ بقیه ها، ماه رمضان
شروع شده و خیلی از بزرگ ترها
روزه هستن. حواستون باشه
کاری نکنین که اذیت بشن.

۶ من سعی
می کنم کارهامو خودم
انجام بدم، چون مامانم
روزه ست. موقع افطار هم
به مامانم کمک می کنم.

۷ منم حواسم هست که توی
مجموعه سروصدا نکنیم. چون خیلی ها
که روزه هستن، بعد از ظهرها می خوابن.



۹ مامان،
ما خودمون
ظرف ها رو
جمع می کنیم.
شما روزه این،
استراحت کنین.
پوریا رو هم تا وقت
افطار، می بریم توی
اتاق خودمون.

۱۰ ممنون پسرکم
به فکر هستی.

۱۱ چقدر زیاد غذا درست
کردی، مامان!

۱۲ غذای نذریه.
قراره قبل از افطار بابا
بریم و این غذاها رو به
نیازمندان بدم.

۱۳ منم میام
کمک کنم.

۱۵ درسته
پسرکم. خدا هم
دوست داره که
بنده هاش با هم
مهربون باشن و به
هم کمک کنن.

۱۴ معلّمون می گه
روزه گرفتن فقط غذا نخوردن نیست؛
باید حواسمون به بقیه هم باشه.



ماه دوستی با خدا

فرقی نمی‌کند کودک باشی یا نوجوان، اگر اراده‌ی درست و قوی داشته باشی و برای آموختن مهارت‌های خوب و مورد علاقه‌ات تلاش کنی، به یک احساس عالی یعنی حس رضایتمندی می‌رسی. معمولاً همه بچه‌های با اراده را بیشتر دوست دارند. اراده یا بهتر بگوییم روحیه‌ی پشتکار باعث می‌شود که در یادگیری مهارت‌ها و کارهای خوب خسته نشویم و مثل ستاره‌ای باشیم که همه ما را به هم نشان می‌دهند.



اسم این پسر خوب و مؤدب محمد صالح کیایی فراست. محمد صالح با اینکه دانش‌آموز پایه‌ی اول دبستان است، اراده‌ای قوی برای یادگرفتن درس و ورزش و کارهای خوب دارد.



محمد صالح با مرتب کردن وسایل شخصی‌اش، زحمت مادرش را کم می‌کند. او همیشه لباس‌هایش را مرتب تا می‌کند و در جای مخصوص خودش قرار می‌دهد تا هر وقت خواست، زود آن‌ها را پیدا کند.





امروز برای او یک روز به یادماندنی و خاطره انگیز است. محمد صالح «روزه‌ی کله‌گنجشکی» گرفته و قبل از افطارش دارد برای همه دعاهای خوب می‌کند.



نماز خواندن یعنی گفت وگو با خدای مهربان. ماه رمضان، ماه مهمانی و دوستی بیشتر با خداست. نماز خواندن کنار پدر و برادریکی از علاقه‌مندی‌های محمد صالح است.



محمد صالح شناگر خوبی است. قبل از ماه مبارک رمضان هر هفته، با برادرش به استخر می‌رفت، اما حالا که ماه رمضان شده است و استخرها روزها تعطیل‌اند، بعد از افطار وسایل شنایش را برمی‌دارد و به استخر می‌رود.



محمد صالح بچه‌ی درس خوانی است. او عاشق ساختمان‌سازی و معماری‌های تازه است. محمد صالح، دوست دارد در آینده مهندس عمران بشود.

باتشکر از عکاس محترم
مامان محمد صالح



